

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و
على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله فى الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / «بیمه» / جلسه ۹ (۲۲/۹/۱۴۰۲) استاد حسین بنیادی]

عنوان بحث: بیمه – ارکان عقد بیمه

موضوع بحث امروز: مسأله چهارم – اقسام چهارگانه غرر در عقد بیمه و پاسخ به آنها

مقدمه: مسأله چهارم بیمه در تحریرالوسیله درباره موضوعاتی است که باید در عقد بیمه معین و معلوم باشند، این امور از قبیل همان اموری است که در سایر عقود شرط شده است منتهی در اینجا با توجه به عقد بیمه، جهات این شروط متناسب با عقد بیمه است؛ امام خمینی، ره در مسأله چهارم بیمه فرمودند:

اول – تعیین مورد بیمه از شخص یا مال یا بیماری و مانند آن است. دوم – تعیین دو طرف عقد که مثلاً شخص یا شرکت یا دولت باشد. سوم – تعیین مبلغی که بیمه شونده به بیمه کننده می پردازد. چهارم – تعیین خطری که موجب خسارت است، مانند سوختن و غرق شدن و دزدی و بیماری و وفات و مانند آن. پنجم – تعیین اقساطی که بیمه شونده می پردازد، در صورتی که پرداخت آن اقساطی باشد. و همچنین تعیین زمان آن ها. ششم – تعیین زمان بیمه از جهت ابتدا و انتها. و اما تعیین مبلغ بیمه، به این که مثلاً هزار دینار تعیین شود لازم نیست، پس اگر مورد بیمه معین شود و بیمه کننده ملتزم شود که هر خسارتی که بر او وارد شود بر من است، یا من به پرداخت آن ملتزم می باشم، کفایت می کند.

بیان مرحوم شیخ حسین حلی، ره در شروط و ارکان عقد بیمه

مرحوم شیخ حسین حلی، ره مواردی را که امام خمینی، ره یک جا به عنوان شروط تامین بیان کرده‌اند، بعضی را قالب ارکان و بعضی را در قالب شروط بیان نموده‌اند:

عملیة التأمین؛ تشتمل علی: ارکان، و شروط:

ارکانها: ۱- الايجاب و القبول. ۲- المؤمن علیه: شخص، ثروة، مرض، و ما شاکل. ۳- مبلغ التأمین: الذي تدفعه الشركة عند حدوث الخطر، و ما يدفعه طالب التأمین الى الشركة من المال.

شروطها ۱- بیان الخطر المؤمن ضده، حریق، وفاة، سرقة، عجز، مرض و... ۲- القسط الذي يدفعه طالب التأمین الى الشركة لو اراد التقيط. ۳- مدة العقد، تاریخ ابتدائه و انتهائه.

در جلسه گذشته ما این نکته را توضیح دادیم که چرا مرحوم امام، ره کلمه «تعیین» را در شروط شش گانه بیان کرده‌اند که خلاصه آن این بود که برخی از فقهاء که بیشتر از علمای اهل تسنن هستند نسبت به اکثر این شروط بلکه تمام شروط، مسأله غرر را مطرح کرده‌اند و اشکال غرر را مهم ترین مانع در مشروعیت عقد بیمه دانسته‌اند و لذا قائل به بطلان عقد بیمه شده‌اند؛ ما صرف نظر از اینکه اصلا در عقد بیمه، غرر به آن معنایی که در سایر عقود طرح شده است بطوریکه موجب بطلان عقد شود یا نشود، لازم است انواع غررهایی که این گروه در اذهانشان هست را بیان و بررسی کنیم.

به بیان دیگر کسانی که قائل به بطلان معامله‌ی بیمه هستند، می گویند از چهار نظر در عقد بیمه غرر است:

۱- التأمین و الغرر فی الوجود.

۲- الغرر فی الحصول.

۳- التأمین و الغرر فی مقدار العوض.

۴- التأمین و الغرر فی الأجل.

اول، غرر در وجود: غرر در وجود این است که آیا در موقع بروز حادثه و خطر، اداره‌ی بیمه چیزی دارد که به ما بدهد یا نه، این شک در وجود است.

دوم، غرر در حصول: به این معنا که اگر بیمه‌گر وجهی هم داشته باشد، آیا توانائی گرفتن از او را داریم یا نه؟ به بیان دیگر بیمه‌گر قدرت بر پرداخت دارد، منتها پرداخت احتیاج به قدرت و قوه دارد، آیا ما آن قدرت را داریم یا نه؟

پاسخ به دو قسم اول از غرر: ما در تمام عقود همین احتمالات یعنی «مجهول الوجود یا مجهول الحصول» را می‌دهیم اما این احتمالات در اذهان طرفین عقد، منتفی است و با اصولی از قبیل اصالة الصحة و اصالة السلامة، این احتمالات را رفع می‌کنند، مضافاً بر اینکه ما درباره شرکت‌های حقوقی معتبر در میان دولت‌ها و مقبول در میان مردم صحبت می‌کنیم بطوریکه زمینه وجود چنین جهلی را از بین می‌برد؛ و لذا در بیع‌هایی مثل بیع نسبه یا بیع سلف که این احتمالات به ذهن طرفین خطور می‌کند با همان اصل عقلائی صحت و سلامت، احتمالات را مرتفع می‌کنند و شارع نیز صحت چنین بیع‌هایی را امضاء نموده است.

سوم غرر در مقدار عوض: التأمین و الغرر فی مقدار العوض

عبارت‌شان این است: «إنَّ عقد التأمین التجاري من عقود المعاوضات المالية الإحتمالية المشتملة علی الغرر الفاحش، لأنَّ المستأمن (بیمه‌گزار) لا يستطيع أن يعرف وقت العقد مقدار ما يعطى أو يأخذ»

غرر از نظر مقدار عوض است و آن این است که بیمه‌گر و بیمه‌گزار نمی‌دانند که چه مبلغی خواهند داد و چه مبلغی نخواهند داد، اصلاً آیا مبلغی را خواهند داد یا نخواهند داد، و اگر هم خواهند داد، چه مقدار است؟ مثلاً گاهی همه‌ی کشتی غرق می‌شود، گاهی بخشی از آن غرق می‌شود، گاهی همه‌ی خانه دچار حریق می‌شود و می‌سوزد و گاهی بخشی از خانه می‌سوزد، مقدار عوض برای طرف روشن نیست و در حقیقت این معامله یک

معامله‌ی غرری است، البته غرر را به معنای جهل گرفته‌اند، یا بفرمایید معامله به معنای خطر، خلاصه اینکه بیمه‌گر نمی‌داند که چه مقدار در آینده خواهد داد، یا اصلاً چیزی خواهد داد یا نه؟ بر فرضی که خواهد داد، چه مقدار خواهد داد، کم یا زیاد؟ همچنین بیمه‌گزار نمی‌داند چه مقدار قسط خواهد داد، ممکن است دو قسط بدهد و کشتی او غرق بشود، یا خانه‌اش دچار حریق بشود، ممکن است پنجاه قسط بدهد بدون اینکه کشتی او غرق بشود، جهل از هر دو طرف است، یعنی هم از طرف بیمه‌گر و هم از طرف بیمه‌گزار و این جهل سبب بطلان معامله است.

چهارم، غرر در مدت تأمین

عبارتشان این است: «أن أجل دفع مبلغ التأمين في معظم أنواع التأمين مجهول، بل التأمين الغمري مرتبط تماماً بأجل مجهول جهالة كبيرة»

غرر در اجل این است که اجل و مدت روشن نیست، خصوصاً در بیمه‌ی عمر، یعنی معلوم نیست که این آدم کی از دنیا خواهد رفت و باید بیمه‌گر به تعهد خود عمل کند، همچنین است در سایر مسائل، یعنی اجل روشن نیست، اگر اجل روشن باشد، حواس بیمه‌گزار جمع است و می‌داند که پنج یا ده قسط خواهد داد، ولی چون اجل روشن نیست و لذا نمی‌داند که چند قسط خواهد داد، ممکن است چهار قسط بدهد و ممکن است نود قسط بدهد، همچنین در ناحیه‌ی بیمه‌گر هم اجل مهم است، نمی‌داند که از بیمه‌گزار دو قسط خواهد گرفت یا صد قسط؟ پس غرر هم در مسئله‌ی اجل و مدت، مطرح است.

پاسخ: اولاً، غرر در اینجا به معنای جهل نیست، غرر به معنای خطر است، اصلاً در لغت عرب غرر به معنای جهل نیامده است، بله! گاهی جهل منشأ غرر می‌شود، پس ما جهل نداریم، هر چه داریم خطر است و این هرگز خطر نیست، یعنی عقلاً این گونه معاملات را تعریض المال علی الهلاکة نمی‌دانند، یعنی نمی‌گویند که: فلانی! مال خودش را به هلاکت عرضه کرد، بلکه می‌گویند به مال خودش صیانت بخشید، ما دنبال صدق کلمه‌ی خطر هستیم، اما به این نوع معاملات خطر نمی‌گویند، ما قبول نداریم که جهل در همه جا مانع است، بلکه جهل در

صورتی مانع است که سبب خطر بشود، ولی این نوع معاملات خطر نیست. نه از ناحیه‌ی بیمه‌گزار و نه از ناحیه‌ی بیمه‌گر، درست است که وقت مجمل است، اما در مقابل این اجمال، یک آرامش خاطر برای بیمه‌گزار است، همچنین است در ناحیه‌ی بیمه‌گر، یعنی برای بیمه‌گر هم خطری در کار نیست.

ثانیاً: این اشکال در بیمه‌ی عمر است نه در سایر بیمه‌ها، چون بیمه‌های تجارتي مدت و اجل دارند، مثلاً کشتی و یا خانه را تا دو سال بیمه می‌کنند فلذا تصور نشود که اینها اجل ندارند.

بله! در بیمه‌ی عمر، اجل روشن نیست، یعنی معلوم نیست که این آدم در چند سالگی خواهد مرد، در پنجاه سالگی یا در یکصد و بیست سالگی.

اشکال در پاسخ دوم: در رابطه با بیمه عمر نیز - با توجه به ماهیت عقد بیمه که حقیقتی احتمالی دارد - غرر وجود ندارد و جالب است که قائلین به غرر در اشکالاتش همین کلمه احتمال را دائماً تکرار می‌کنند و این نشان می‌دهد که ارتکاب ذهنی مستشکلین، ماهیت احتمالی عقد بیمه است و نه تنها عالمان دینی اینها بلکه در میان عرف و عقلا، موضوع بیمه را بر پایه احتمالات، قبول کرده‌اند از همین‌رو گاهی هیچ توجهی به این موارد که آقایان آن را غرر می‌دانند، ندارند و لذا در این جهت تفاوتی میان بیمه عمر و دیگر موضوعات بیمه، وجود ندارد.

پاسخ برخی از فقها به وجود اقسام چهارگانه غرر در عقد بیمه

این آقایان خیال کرده‌اند که در اینجا از قبیل خرید و فروش است و حال آنکه در اینجا خرید و فروشی در کار نیست، یعنی این گونه نیست که بیمه‌گر بفروشد و بیمه‌گزار بخرد و هکذا، تا طرفین ندانند که چه دادیم و چه گرفتیم، اگر واقعاً معامله باشد، خرید و فروشی باشد، حق با شماست، یعنی هر دو نمی‌دانند که چه مقدار خواهد داد و چه مقدار خواهد گرفت، اما مسئله در اینجا از قبیل خرید و فروش نیست، من یک مبلغی را در مقابل

پذیرائی مسؤلیت می دهم، به این معنا که بیمه‌گر مسؤلیت کشتی مرا بر عهده گرفته و این برای من روشن است، یعنی اگر به سلامت رسید که چه بهتر! و اگر به سلامت نرسید، بیمه‌گر تمام خسارتم را پرداخت خواهد کرد، این کجایش مجهول است؟ مبلغ من در مقابل مسؤلیت و سکون خاطر، و طمأنینه‌ی قلب است، یعنی اینکه قلب و فکر من آسوده شود، چون من در هر دو حال ضرر نکرده‌ام، اگر کشتی من غرق نشود، خانه‌ام دچار حریق و آتش سوزی نشود و یا سایر حوادث برایم پیش آمد نکند که چه بهتر! و اگر هم یکی از این اتفاقات برایم رخ بدهد، جبران خواهد کرد. کجای این، غرر دارد.

نتیجه بحث امروز

ما با اینکه دقت و ضرورت تاکید امام خمینی، ره در تعیین شروط عقد را فبول داریم و این بخاطر این است که در عقد بیمه - مخصوصاً در میان مخالفین - بخاطر ماهیت احتمالی این عقد، نشانه‌هایی از احتمال وجود غرر در آن می‌باشد و لذا به نظر می‌رسد تاکید در شناخت ماهیت عقد بیمه به عنوان عقدی مستقل که در عین ماهیت احتمالی، حقیقتی منجز و معلوم دارد، راه خلاصی از شبهه غرر در عقد بیمه می‌باشد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین